

بِسْمِ  
اللَّهِ  
الرَّحْمَنِ  
الرَّحِيمِ



بھانہ بودن ۱۶۱

باش تا بھانہ ای برای بودنم باشد

هو ا پس است  
هو ا لے خودت را  
در سرمان بیداز

## بهانه بودن ۱۶۱

**نویسنده:** محسن عباسی ولدی

**ناشر:** آیین فطرت

**مدیر هنری و طراح جلد:** سیدحسن موسی زاده

**گرافیکست و صفحه آرا:** سعید صفارنژاد

**ویراستار و مشاور ادبی:** زهیر توکلی

**ارتباط با ناشر:** ۰۲۵-۳۳۲۲۱۶۶۲

**سامانه پیامکی:** ۳۰۰۰۱۵۱۵۱۰

**لیتوگرافی، چاپ و صحافی:** عمران

**نوبت چاپ:** اول / بهار ۱۳۹۶

**شمارگان:** ۲۵۰۰ نسخه

**قیمت:** ۴۵۰۰ تومان

**مرکز پخش:** ۰۲۵-۳۷۷۴۶۹۹۲

با ورود به سایت زیر و خرید اینترنتی

یا ارسال نام کتاب به سامانه پیامکی

کتاب را درب منزل تحویل بگیرید.

**www.bookroom.ir**

**سامانه پیامکی:** ۱۰۰۰۳۰۲۲

**پایگاه اطلاع رسانی نویسنده:**

**www.abbasivaladi.ir**

کلیه حقوق محفوظ است.

سرشناسه: عباسی ولدی، محسن، ۱۳۵۵ -

عنوان و نام پدیدآور:

هواپس است: هوای خودت را در سرمان بینداز

نویسنده محسن عباسی ولدی.

مشخصات نشر:

قم: آیین فطرت، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری:

۱۱۷ ص.

فروست: بهانه بودن. باش تا بهانه ای برای بودنم باشد: ۶.

شابک : دوره ۱: ۱۶-۱۰۳۱-۸۰۳۱-۶۰۰-۹۷۸ ;

ج. ۶: ۱-۳۲-۸۰۳۱-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع :

محمد بن حسن عَلَيْهِ السَّلَام ، امام دوازدهم ، ۲۵ق.

شعر - -

موضوع: Muhammad ibn Hasan, Imam XII - Poetry

موضوع : شعر فارسی - قرن ۱۴

موضوع: Persian poetry - 20th century

موضوع : شعر مذهبی فارسی - قرن ۱۴

موضوع: Religious poetry, Persian - 20th century

شناسه افزوده: بهانه بودن. باش تا بهانه ای برای بودنم باشد: ۶.

رده بندی کنگره : ۱۳۹۶ ج. ۱، ۹ ب ۳۶۵ / ب ۸۱۴۸ PIR

رده بندی دیویی: ۶۲/۸۶

شماره کتابشناسی ملی : ۴۷۶۹۱۱۴

خشمش نشانه ای است برای ما  
تا بدانیم چند قدم  
تا پرتگاه فاصله داریم.  
کاش یک روز بفهمیم  
فقد تو روی دیگری است  
از سکه تمام عیار مهرت.

---

تقدیم به تو  
ای مهربان ترین انسان روی زمین!





## فهرست

- ۹ | مقدمه
- ۱۳ | دست‌هایت را باز کن، این زندگی من، تحویل تو!
- ۲۵ | چقدر تیر خلاص زده‌ایم به خودمان!
- ۳۷ | چرا تو فقرا را نداشتن خدا می‌دانی و من، نداشتن پول؟
- ۴۷ | چقدر خوبی که ما را در حلقهٔ دوستانه راه داده‌ای!
- ۵۷ | می‌خواهم جور دیگری ببینم؛ مثل تو
- ۷۱ | کمی تحمل کن، همین روزها بزرگ می‌شوم
- ۸۱ | نرسیدن به تو، جهنم نقدِ خدا روی زمین است
- ۹۳ | هوا پس است، هوای خودت را در سرمان بینداز
- ۱۰۹ | تو نزدیک تر از آنی که در خیال من بگنجد.





## مقدمه

نمی‌شود به آرامش اندیشید؛ اما به زندگی مشترک فکر نکرد و مگر می‌شود به زندگی مشترک فکر کرد و از کنار قواعد آن به آسانی عبور کرد؟ آرامشی که خداوند در دل زندگی با همسر گذاشته، بدون توجه به قواعد زندگی مشترک، دست یافتنی نیست. باید زندگی را یاد گرفت. این قدرها هم که فکر می‌کنیم، زندگی با همسر آسان نیست.

مجموعه «تا ساحل آرامش» که در چهار کتاب منتشر شده است، تلاش می‌کند شما را با قواعد زندگی مشترک آشنا کند. این مجموعه راه رسیدن به آرامش در زندگی مشترک را با چراغی که از آیات نورانی قرآن و جملات درخشان اهل بیت علیهم‌السلام روشن کرده نشان می‌دهد.

تا کنون «تا ساحل آرامش» به تنهایی چاپ و منتشر می‌شد؛ اما از این پس هر کدام از مجلدات این مجموعه، ضمیمه‌ای دارد که حاوی نثرهای ادبی است. «بهانه بودن» نام مجموعه‌ای است که

چهار کتاب از آن، ضمیمه ادبی مجموعه «تا ساحل آرامش» است و هم اکنون یکی از این کتاب‌ها در دستان شماست.

متن‌های «بهانه بودن» دل‌نوشته‌هایی است که مخاطب آن، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف می‌باشد. ما در این نثرهای ادبی تلاش داریم میان زندگی مشترک و مهدویت پُلی بزنیم و از روی این پل، به سوی آرامش حقیقی و حقیقتِ آرامش حرکت کنیم که همان وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف است.

ضمیمه‌های ادبی «تا ساحل آرامش» حامل پیام مهمی هستند: مهدویت را تنها در میان دعای ندبه‌ها و دعای عهدها نمی‌شود زنده نگه داشت. امام زمانی که در متن زندگی ما نباشد، امام زمان نیست. با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف باید زندگی کرد. زندگی را باید بر مدار میل او مدیریت کرد.

به نظر می‌رسد مطالعه هر یک از این کتاب‌ها را اگر پس از مطالعه همان جلد «تا ساحل آرامش» انجام دهید، مفیدتر باشد. البته این کتاب‌ها طوری نگاشته شده که برای افرادی که انگیزه کافی برای مطالعه کتاب‌های تربیتی ندارند، قابل استفاده باشد. اگر می‌خواهید کسانی را که انگیزه کافی برای مطالعه مجموعه «تا ساحل آرامش» ندارند، تشویق کنید، دعوت به مطالعه این کتاب‌ها می‌تواند اثرگذار باشد.

«بهانه بودن» یک مجموعه چند ده جلدی است که چهار کتاب آن به مجموعه «تا ساحل آرامش» اختصاص یافته است. باقی کتاب‌های این مجموعه هم به یاری خدا به تدریج منتشر خواهد شد که مطالعه آنها را هم به شما توصیه می‌کنیم.

امید است با اتصال به ریسمان ناگسستنی ولایت، راه زندگی را چنان طی کنیم که زمین زندگی مان، آسمان شود.

قم، شهربانوی کرامت

بهار ۱۳۹۶

محسن عباسی ولدی



دست‌هایِ را  
باز کن، این  
زندگی من،  
تحويلِ تو!



راه تو  
راه میانه است  
و آن سوی راه تو  
دیگر راه نیست  
پرتگاه است.<sup>۱</sup>

---

۱. امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «راست و چپ (افراط و تفریط) گمراهی است. راه درست، راه میانه است که قرآن و آثار نبوت نیز بر اساس راه میانه آمده است» (الکافی، ج ۸، ص ۶۸).

کسی که پرتگاه افراط را در پیش می‌گیرد  
به خیال خودش  
زودتر به مقصد می‌رسد  
اما افراط  
زودتر ساقط شدن است، نه زودتر واصل شدن.

و کسی که رو به پرتگاه تفریط می‌رود  
خیال می‌کند که می‌رسد به قلّه؛ اما دیرتر  
اهل تفریط هم زودتر می‌رسند  
اما نه به قلّه، به قعر درّه.

اگر کسی همیشه نگاهش به تو نباشد  
یا از افراط، به قعر درّه می‌افتد یا از تفریط.  
تو نشانه‌ی راه میانه‌ای  
اگر کسی  
ولایت تو در دلش جا کرده باشد  
دیگر دست خودش نیست  
جز راه میانه  
به هیچ راه دیگری میل پیدا نمی‌کند.





با ولایت تو دیگر  
نه در مرداب بخل، فرومی‌رویم<sup>۱</sup>  
نه دلمان رم می‌کند به هوای ولخرجی.<sup>۲</sup>

ولایت تو که باشد  
به اسم عبادت، زندگی را تعطیل نمی‌کنیم  
و به اسم زندگی، عبادت‌مان رنگ نمی‌بازد.<sup>۳</sup>

---

۱. امیر مؤمنان، علی علیه السلام فرمود: «بخل، تمام بدی‌های عیوب را در خود گرد آورده و آن، افساری است که [انسان] به وسیله آن، به سوی هر بدی‌ای کشانده می‌شود» (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۸).

۲. امیر مؤمنان، علی علیه السلام فرمود: «ولخرجی، سرلوحه ناداری است» (مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۶۶).

۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «آگاه باشید که هر عبادتی را جوش و خروشی است که سرانجام، فروکش می‌کند. پس هر کس جوش و خروش عبادتش به سنت من جهت یابد، هدایت شده و هر که با سنت من مخالفت کند، گمراه شده و عملش برباد رفته است. آگاه باشید که من، نماز می‌خوانم و می‌خواهم و [بعضی از روزها را] روزه می‌گیرم و [بعضی از روزها را] روزه نمی‌گیرم، می‌خندم و گریه می‌کنم. پس هر که از سنت من روی گرداند، از من نیست» (وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۰۹).

هم به خلق خدا خدمت می‌کنیم  
هم در مقابل خدا قد خم می‌کنیم.  
به بهانهٔ خلق خدا، خدا را فراموش نمی‌کنیم  
و به نام خدا، از خلق خدا غافل نمی‌شویم.

کسی که با ولایت تو نفس می‌کشد  
خلوت دارد  
اما به جماعت، بی‌اعتنا نیست.

کسی اگر خلعت ولایت تو را برتن کرد  
لباس‌هایش مایهٔ دلسوزی نیست  
و با لباسش دل کسی را هم نمی‌سوزاند.<sup>۱</sup>

---

۱. امیرمؤمنان، علی علیه السلام فرمود: «پرهیزگاران، در لباس پوشیدن، راه میانه را پیش می‌گیرند»  
(نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۹۳).

ولایت تو  
زندگی را از تملک رفیقان بیرون می‌کشد  
اما سهم رفیق را پایمال نمی‌کند.

کیست که مدعی ولایت تو باشد  
اما روز و شبش را وقف سرگرمی کند؟  
و کیست که ولایت تو را جار بزند  
اما لذت حلال را بر خویش حرام کند؟<sup>۱</sup>

---

۱. امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «در حکمت آل داوود، چنین آمده است: "سزاوار است مسلمان خردمند، زمانی را به اعمال میان خود و خداوند، اختصاص دهد و زمانی را به دیدار برادرانی اختصاص دهد که در باره امور آخرت با هم گفتگو می‌کنند و زمانی را با خوشی‌های حلال، سپری کند که این زمان، به آن دو وقت دیگر کمک خواهد کرد"»  
(الکافی، ج ۵، ص ۸۷).

ولایت مداران تو طبعشان خشک نیست  
مزاح، راه دارد به گفتار و رفتارشان<sup>۱</sup>  
اگر چه متانتِ ولایت تو  
اجازهٔ سبکساری به آنها نمی‌دهد.<sup>۲</sup>

تنبل جماعت

با ولایت تو

فاصله بسیار دارند

و آنها که جز کار

کار دیگری ندارند

مثل تنبل‌ها

دور از وادی ولایت تو نفس می‌کشند.<sup>۳</sup>

---

۱. یونس شیبانی می‌گوید: امام جعفر صادق علیه السلام به من فرمود: «شوخی شما با یکدیگر، چگونه است؟ [آیا با هم شوخی می‌کنید؟]». گفتم: اندک. فرمود: «این گونه نباشید؛ زیرا شوخی کردن، از خوش اخلاقی است و توبه وسیلهٔ آن، برادرت را شاد می‌کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای این که کسی را شاد کند، با او شوخی می‌کرد» (همان، ج ۲، ص ۶۶۳).

۲. امیر مؤمنان، علی علیه السلام فرمود: «شوخی زیاد، هیبت را از بین می‌برد» (نور الحکم و درر الکلم، ص ۵۲۵).

۳. امام صادق علیه السلام فرمود: «آن که در کار طهارت و نماز، کاهل باشد، در او خیری برای آخرتش نیست و آن که در آنچه زندگی‌اش را سرو سامان می‌دهد، کاهل است، در او خیری برای دنیایش نیست» (الکافی، ج ۵، ص ۸۵).

کسی که درونش را  
با ولایت تو پاک کرده  
به وسواس، حساس است  
و از پلشتی، بیزار.

افراط و تفریط  
هر کدامشان یک تیغ‌اند  
و کنار هم می‌شوند قیچی.

آقا!

تا امروز عمرم را  
با این قیچی  
تکه تکه کرده‌ام  
و هر تکه‌اش افتاده یک سو.

از تماشای این تکه‌های جدا از هم  
به احساس خسروانی دچارم  
که شب و روزم را سیاه کرده.  
رفوی این تکه‌ها  
کار کسی نیست جز خودت.

به قدری در این عمر تکه تکه شده  
از پرتگاه افراط و تفریط افتاده‌ام  
که توان برخاستنم نیست.

و مگر می‌شود  
دست کسی جز تو را  
بگیرم و از جا برخیزم؟  
و مگر می‌شود  
از جا برخیزم و در راه بیفتم؟

زندگی با راهی که طی می‌کنیم، شکل می‌گیرد.  
شکل زندگی، زشت و زیبا دارد.  
کسی اگر خویش را فریب ندهد  
شکل زندگی را می‌بیند.

افراط و تفریط  
زندگی را زشت می‌کند.  
من از تماشای شکل زندگی‌ام  
وحشت دارم آقا!  
بین چه زشت شده قیافه این زندگی!

برای دیدن شکل این زندگی  
چشم لازم نیست.  
کور هم توان دیدن آن را دارد.  
من از زندگی گریزانم.  
خودت اگر بودی  
توان تماشای این زندگی را داشتی؟

دست‌هایت را باز کن.  
این زندگی من، تحویل تو!  
من همین جا می‌نشینم پشت در خانه‌ات.  
تو که توان زنده کردن مرده را داری!  
این زشت را بگیر و زیبا کن  
که دیگر به آخر خط رسیده‌ام.

آقا!

دست مرا در راه میانه‌ات رها نکن  
تا زشت زیبا شده‌ام  
دوباره زشت نگردد.

(۱۳۹۵/۲/۳۰)






حَقْدَر تِي رِخْطَا ص  
زِدِه اِيْم بِيه خُو دِمَان!



دروغ، تنها خارج شدن چند واژه  
از میان دو لب نیست.  
هر حرفی از واژه‌های دروغ  
تیر خلاصی است  
به پیکر انسانیتمان!  
چقدر تیر خلاص زده‌ایم به خودمان!

---

۱. امیر مؤمنان، علی علیه السلام فرمود: «دروغ و انسانیت با هم جمع نمی‌شوند» (غیر الحکم و درر الکلم، ص ۷۷۳). امام جعفر صادق علیه السلام نیز فرمود: «انسانیتی برای انسان دروغ‌گو نیست» (بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۲۶۱).



کشته‌ایم خودمان را  
با دروغ‌هایمان.<sup>۱</sup>

از روی جنازه‌های خویش رد شده‌ایم  
با خندیدن به دروغ‌هایمان.

جنازه‌هایمان را تکه تکه کرده‌ایم  
با زدن مُهر جواز  
بر پیشانی دروغ‌هایمان.

---

۱. امیرمؤمنان، علی علیه السلام فرمود: «دروغ‌گو و مرده، یکسان‌اند؛ چرا که برتری زنده بر مرده به سبب اعتماد به اوست؛ پس هر گاه به گفته او اعتماد نشود، حیاتش از بین رفته است» (عبر *الحکم و درر الکلم*، ص ۱۱۹).

دروغ، تنها ادای چند واژه نیست.  
واژه‌های دروغ  
هر کدامشان  
یک پیمانۀ زهر نفاق اند.<sup>۱</sup>  
هر که از این پیمانۀ بنوشد  
باید او را منافقی خائن نامید.<sup>۲</sup>

کسی که دروغ می‌گوید  
اما ادعای ایمان دارد  
به ایمان هم دروغ بسته.  
قلب ایمان، با صدق می‌تپد.  
مگر می‌شود باور کرد  
که در جان دروغ‌گو  
آشیانه کند؟<sup>۳</sup>

۱. رسول خدا ﷺ فرمود: «همانا دروغ، دری از درهای نفاق است» (الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۰).

۲. امیرمؤمنان، علی ﷺ فرمود: «صداقت، امانتداری، و دروغ، خیانت است» (الخصال، ج ۲، ص ۵۰۵).

۳. از رسول خدا ﷺ پرسیدند: آیا مؤمن، ترسو هم می‌شود؟ فرمود: «آری». پرسیده شد: آیا بخیل هم می‌شود؟ پاسخ داد: «آری». پرسیده شد: آیا دروغ‌گو هم می‌شود؟ فرمود: «خیر». (بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۲۶۲).

دروغ، تنها راندنِ چند واژه بر زبان نیست  
بستن پنجرهٔ نور  
به روی خویشتن است.  
دروغگو رویش سیاه است<sup>۱</sup>  
و جایش ته چاه.  
نجات و دروغ، راه مشترک ندارند.<sup>۲</sup>

آقای صدق و راستی!  
ما با دروغ‌هایی که گفته‌ایم  
دروازهٔ اعتماد دیگران را  
چنان بر خویش بسته‌ایم<sup>۳</sup>  
که هزار مرد جنگی، توان باز کردنش را ندارند.

---

۱. رسول خدا ﷺ فرمود: «ای علی! از دروغ بپرهیز که دروغ، روسیاهی می‌آورد» (بحار الأنوار ج ۷۴، ص ۶۷).

۲. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «دروغ، تو را نابود می‌کند؛ اگر چه با وجود آن، احساس امنیت کنی» (همان، ص ۶۰).

۳. امیرمؤمنان، علی علیه السلام فرمود: «کسی که به دروغ‌گویی شناخته شود، اعتماد به او کم می‌شود» (غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۴۵).